

اردبیهشت بسیاری از ما مشهودی ها رنگ و بوی ارغوان دارد، جایی در ذهن اردبیهشتی مان پر از گل های صورتی است. ماه دوم سال که می آید، این پا و آن پا می کنیم تا خودمان را در یکی از روزهای سرخلونی برسانیم به دشت ارغوان. زیبایی اش فقط به چشم ما نیامده، هر که دیده حشش را برده است. جز خراسان رضوی، استان های دیگری همچون خوزستان، لرستان، گیلان، کرمان و ایلام هم می دانند وقتی از زیبایی ارغوان می گویم، از برگ هایی قلبی شکل حرف می زنیم و از انبوه گل های صورتی که پیش از رشد برگ ها بر تنه این درخت می نشینند، درخت ارغوان می تواند تا ارتفاع ۱۲متر نیز برسد، اما بیشتر به شکل درختچه دیده می شود چون هرساله شاخه هایش را می چینند، شاخه هایی که قرمز رنگ است و محکم، و این یکی از تفاوت های ارغوان با دیگر درختچه های زینتی است. ما می بینیمش و به یاد شعرهای شاعرانمان می افتیم، آنجا که حافظ گفته است: «ارغوان جام عقیقه به سمن خواهد داد/ چشم تر گس به شقایق نگران خواهد شد» یا مولوی که می گوید: «تا کی گریزی از اجل در ارغوان و ارغنون/ نک کش کشتنات می بردن آنا إلیه راجعون». صدای ابتهاج هم می آید: «ارغوان! شاخه هم خون جدا مانده من، آسمان تو چه رنگ است امروز؟»

روستاییان اما ارغوان را که می بینند، فکر راه بردن زندگی شان می افتند، شاید چوب ارغوان برای آن ها پیش از اینکه زیبایی اش را به رخ بکشد، استقامت و محکم بودنش را یادآور می شود، چوب درختچه ارغوان سال ها میان انگشتانمان خم برداشته و زیر و رو یافته شده است تا سبد و زنبیل شود یا جاگلدانی و آب کش برنج یا جای نان. رویشگاه اصلی درخت ارغوان در خراسان، شهرستان طریقه و شاندیز است و در این میان، روستای «مایان وسطی» که میراث فرهنگی تعداد ارغوان باف را دارد. در حقیقت، هنر ارغوان بافی مهم ترین هویت این روستاست. اصالتی دیرینه دارد و نسل به نسل به مردمانش منتقل شده است. گفته می شود قدمت این هنر در این روستا به بیش از ۳۰۰سال می رسد.

بر همین اساس است که اداره میراث فرهنگی و صنایع دستی طریقه شاندیز در تکاپوی ثبت این روستا در فهرست روستاهای ملی صنایع دستی است. گرچه زمستان فصل مناسبی برای بهره بردن از زیبایی درختچه ارغوان نیست، کار ارغوان بافی در این فصل از سال پررونق است زیرا چیدن این درختچه از مهر ماه آغاز می شود و تا انتهای اسال ادامه دارد.

مردم روستای مایان وسطی تابستان ها مشغول چیدن میوه هستند و زمستان ها سر به کار سیدباقی دارند. دلیل ما برای رفتن به این آبادی نشسته در دامنه بینالود و سروزدن به کارگاه های ارغوان بافی در یکی از روزهای سرد پس از بارندگی، همین بود.

● مثل همیشه پای دلال در میان است

حدود ۱۵ کیلومتر بعد از امامزادگان یاسر و ناصر به روستای مایان وسطی می رسیدم. در یکی از کوچه های روستا به نام ارغوان توقف کوتاهی می کنیم و بعد، حبیب رضایی ما را به کارگاهش راهنمایی می کند. راه زیادی نیست اما زمین خیس از باران دیشب و گل اندود است. از سرازیری که پایین می رویم، وارد حیط کارگاه می شویم. اوضاع کمی درهم ریخته است. یک طرف حیاط، دسته دسته تر که های ارغوان روی هم کُوت شده اند. طرف چپ، نیمه یک آلچیق بافته شده روی زمین قرار دارد. رضایی در کارگاهش را باز می کند. داخل تاریک است و نمونه هایی از انواع ارغوان بافی روی هم سوار شده اند. او می گوید چون امروز خیلی هوا سرد است، همه دست از کار کشیده اند. دست از کار کشیدن در هوای سرد وقتی اتفاق می افتد که تو نمی توانی در سرما، محیط کارگهات را گرم کنی. پنجه هایت چنگ می شوند و توان خم دادن به چوب سخت را نداری. دلشلی هم این است که روستای مایان وسطی هنوز گاز کشی نشده است، مردم از نفت استفاده می کنند و باید ملاحظه سهمیه شان را بکنند. رضایی نمونه های سبد، جاگلدانی، دم کش، زیر قابلمه ای وو... را داخل کارگاه بیرون می آورد. می گوید: «برای بعضی صنایع دستی، چوب را پوست می کنیم تا رنگش سفید بشود. برای این کار، باید اول چوب را در تانکر بجوشانیم، بعد پوست کنیم.»

می پرسیم: «بازار فروش محصولاتن کجاست؟»

فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی شهرستان طریقه شاندیز دربارۀ ارغوان

فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی شهرستان طریقه شاندیز رفتیم. بامهدی خانی دربارۀ گلۀ روستاییان دربارۀ محدودیت برداشت و بهره برداری تر که ارغوان در مراتع اداره منابع طبیعی صحبت کردیم. او بابیان این موضوع که ما مخالف کار کردن روستاییان و ایجاد اشتغال نیستیم افزود: «ما مخالف کار خارج از قانون افراد هستیم. برداشت و بهره برداری ارغوان های منطقه، قوانین و مقررات خودش را دارد و نباید این طور باشد که هر کسی تر که ارغوان را در فصلی که دلش خواست برداشت کند.»

اهمیت دادن به تجربه نسل اندر نسل روستاییان در به عمل آوردن و برداشت ارغوان، موضوعی است که در ادامه با خانی در میان می گذاریم. او پاسخ می دهد: «ما تجربیات روستاییان را نادیده نگرفته ایم. این طور هم نبوده است که بگویم شما درست نمی گوید. تأکید ما بر این است که نحوه بهره برداری باید به شکلی باشد که به زادآوری این گونه آسیب نخورد. زمان بهره برداری هم برایمان مهم است. متأسفانه برخی افراد سوءاستفاده گر هستند که شبانه یا در روزهای تعطیل که تیروهای

بی سر و سامانی ترکه های سرخ

قدمت ارغوان بافی در «مایان وُسطی» به ۳۰۰سال می رسد اما برای حضور گردشگر هنوز جاذبه ای فراهم نشده است



عکس: مهدی غوثیان شیراز

دولتی از جمله حمایت اداره منابع طبیعی برای برداشت قانونی شاخه های ارغوان است. چند نفر از خود روستاییان انجام می دهند و کارهای بزرگ تر را مردها. حبیب رضایی این طور برایمان حساب کتاب می کند: «لاَن هر خانمی تمام وقت بنشیند سر کار، روزی ۲۰تا از این نقلی ها می بافد که دانه ای ۴هزار تومان است. ۲۰تایش می شود ۸۰هزار تومان. ۲۰هزار تومانش پول ارغوان است و ۱۰هزار تومان مزد پاک کردن. برایش حدود ۴۰هزار تومان می ماند که با توجه به زحمتش، صرف ندارد.» به ظاهر، کار هر چه بزرگ تر باشد به صرفه تر است.

● ایجاد اقامتگاه بوم گردی مهم تر است یا فروشگاه های برای عرضه؟

علیرضا جاوید مردی جالفافته است که تازه از راه می رسد. او می گوید: «چوب ارغوان را جز مایان وسطی، مایان سفلی، علیا و کلاته آهن هم دارند. در شهرهای دیگر مثل اصفهان و کردستان هم درخت ارغوان هست، اما اصالت ارغوان بافی در روستای ما بیشتر است. افرادی هم که در طریقه و مشهد ارغوان باف هستند اصالتشان مایانی است و رفته اند آنجا ساکن شده اند. در مایان علیا هم البته کمابیش ارغوان باف هست اما کار آن ها فقط بافت دم کش و سر دیگ است.»

● هرس هرساله باعث پرباری ارغوان می شود

حرف ها به میانه رسیده است و محمدرضا رضایی که روی پا بند نیست و معلوم است حرفی سر دلش مانده است شروع به صحبت می کند: «اول از همه، باید مشکل ما با اداره منابع طبیعی حل شود. بقیه کارها از دست خردمان برمی آید. منابع طبیعی جلو کار ما می گیرد. نمی گذارد درخت های ارغوان را بچینیم. در صورتی که این ها مال ملک خردمان است.» علیرضا جاوید در ادامه صحبت محمدرضا رضایی می گوید: «چون منابع طبیعی برداشت شاخه های ارغوان را محدود کرده است، مردم روستا دلسرد شده و دنبال سروسامان دادن به کارگاه ها هم نرفته اند.»

ما این موضوع را مطرح می کنیم که اداره منابع طبیعی با برداشت بی رویه مخالف است و برای نمونه، این آلچیق ها با این حجم بزرگ و مقدار چوب زیادی که استفاده می کند، نه تنها صنایع دستی محسوب نمی شود، بلکه باعث مصرف بیش از اندازه چوب ارغوان می شود.

علیرضا جاوید می گوید: «حرف شما قبول است، اما اگر چوب ارغوان ۲سال زده نشود، خودبه خود درخت از بین می رود چون هر چه این درخت پر تر شود، آب بیشتری لازم دارد و چون آب باران برایش جواب گو نیست، خشک می شود. آن ها که می گویند ما برداشت بی رویه انجام می دهیم، اشتباه می کنند. آن ها می گویند اگر هر سال درخت ها را بزیند، گونه از بین می رود در حالی که برعکس است. هر سال باید چوب آن را بزیند. الان درخت ارغوان داریم که به سال چهارم نرسیده، از ریشه خشک شده است.»

جاوید با دست به کوه روبه رو اشاره می کند و نمونه خشک شده درختچه ارغوان را نشانمان می دهد.

می پرسیم: «ارغوان خودروست؟»

محمدرضا رضایی می گوید: «نه که خودرو نیست. پدران ما امسال که این درخت را می زنند، یکی از ترکه های آن را زیر خاک می کردند و رویش خاک می ریختند. این سال بعد ۲بوته می شد، سال بعدش ۵بوته و همین طور زیاد می شد.» آن طور که از حرف های رضایی متوجه می شویم، منظورش همان قلمه زدن است. حبیب رضایی هم در ادامه می گوید: «تخمش هم شاید پاشیده می شده اما فقط بعضی از این تخم ها می گرفته و جوانه می زده است. اصلش این است که این ها را کاشته اند.»

شما هم الان درخت می کارید؟

● بله، بعضی ها تخمش را کاشته اند، بعضی ها هم ریشه اش را.

محمدرضا رضایی می گوید: «هر کسی نمی تواند این را به عمل بیاورد چون فن کارش مال ماست. کار ما این است. پدرجدهای ما یادمان داده اند.»

با اینکه روستاییان اصرار داشتند درخت ارغوان خودرو نیست، گفت وگویی پس از گزارش ما با یکی از مسئولان اداره منابع طبیعی، حاکی از این بود که ارغوان دراصل گونه ای خودروست که با قلمه زدن و بذر پاشیدن هم می توان آن را افزایش داد.

حبیب آقا می گوید: «استان اصفهان هم ارغوان کاشته. مرز باغ هایشان کاشته اند اما کیفیت این را ندارد. آب می خورد می شکند. الان توی بولوار و کیل آباد هم کاشته اند. دست بزنی می شکند.»

جاوید سر حرف را می گیرد: «هرجا چوب ارغوان هست، بافنده اش هم هست: توی تهران، اصفهان، کردستان، اما آنجا بافنده کم است. ما چوب که کم می آوریم، از کردستان و اصفهان می خریم.»

همه این حرف ها نشان می دهد ارغوان بافی تا چه اندازه با زندگی مردم روستای مایان وسطی گره خورده است و جزو جدایی ناپذیر آن به حساب می آید. با این حال، روستاییان هنوز سر ابتدایی ترین نیازها و توقع هایشان مشکل دارند. مشکل نداشتن گاز را که به کناری بگذاریم، خیلی از آن ها هنوز بیمه نیستند. حبیب رضایی توضیح می دهد که چند سال پیش، مطابق قانون آن زمان، ارغوان بافان از طرف اداره صنایع دستی به اداره بیمه تأمین اجتماعی معرفی و بیمه می شدند اما بعد تر این قانون لغو شد. به همین دلیل، اکنون خیلی ها بیمه نیستند. انگیزه ای هم ندارند که هنر دستشان را معرفی کنند.

● هر چقدر بیشتر دل به کار بدهی کار ظریف تر می شود

سوز هوا و یک جا ایستادن ما دست و پامان را سرما داده است. به حبیب آقا می گویم ما را به کارگاهی ببرد که مشغول باشند و بتوانیم از نزدیک، ارغوان بافی را ببینیم. بعد از چند دقیقه پیاده روی، به منزل حبیب آقای کشته شده می رسیدم. زهرا باغیان، خانم

خانه، ما را به اتاق بزرگی راهنمایی می کند که هم نشیمن است هم کارگاه. برای اینکه مصرف نفت را پایین بیاورند، خانه و کارگاه را یکی کرده اند. پلاستیک بزرگی مانند یک روفرشی، بیشتر فضای اتاق را پوشانده است و حبیب آقا پشت به دیوار، روی پلاستیک نشسته است و دست به کار دارد. یک قیچی و یک میله آهنی کنار دستش است. این همه ابزاری هستند که برای ارغوان بافی لازم است. قبل از آمدن ما به خانه آقای کشته شده، حسین باغیان هم به جمع ما اضافه شده بود. با رعایت فاصله اجتماعی، دقایقی در میان گرمای اتاق که بوی نفت می داد می نشینیم. معلومان نمی شود حبیب آقا همیشه کم حرف است یا با ما سر حرف زدنش نمی آید. هر چه هست، حسین باغیان جای او ورشته کلام را دست می گیرد و می گوید: «ارغوان بافی زور بازو می خواهد. اگر موقع بافتن، زور دست نداشته باشی، کار ول می شود و قشنگ در نمی آید. عمرش هم کم می شود. باید گره کار محکم باشد. گره های مختلف برای کارهای مختلف استفاده می شوند.»

دایره چوبی میان دوستان حبیب آقا دارد می بزرگ تر می شود. در اصطلاح، حبیب آقا دارد دور کار، دور می زند و یکی رو می بافد و یکی زیر. حال بی آماده بافتن است. او شاخه ها را بر می دارد و به بدنه همان دایره فرو می کند و کارها را از سر می گیرد. اگر چوبی وسط کار بشکند، جایش یکی دیگر می گذارند. باغیان می گوید: «حاصل کار با توجه به تجربه بافنده فرق می کند. ظرافت کار با تجربه ها بیشتر است. به این هم بستگی دارد که چقدر دل به کار بدهی.» نمی توانیم منتظر بمانیم تا کار حبیب آقا به پایان برسد. با همه گیری کرونا، مانند بوش از این جابجاست. با اهالی خانه و روستاییان خداحافظی و به امید برگشتن در اردبیهشت مایان، آنجا را ترک می کنیم.

طریقه شاندیز در برخی استان های دیگر از جمله اصفهان نیز چوب ارغوان وجود دارد اما هیچ کدام به کیفیت و اعتلاف پذیری درخت های ارغوان طریقه نمی رسد.

بر خلاف اصرار روستاییان مبنی بر خودرو نبودن تر که ارغوان، خانی بیان می کند: «ارغوان از قدیم در این منطقه به صورت خودرو رشد کرده و هیچ کسی آن ها را نکاشته است، به جز ارغوان هایی که داخل باغات به عمل آمده اند.»

او اضافه می کند: «هرای نمونه، همه درختان دره ارغوان خودرو هستند. البته از سال ۸۲تاکنون حدود ۹۰۰هکتار جنگل کاری ارغوان و سایر گونه های بومی در شهرستان انجام شده که جزو رویشگاه های فعلی است. هر سال نیز بین ۱۰۰تا ۱۵۰هکتار ارغوان کاشته می شود. چون در سال های خشک سالی زادآوری به خوبی انجام نمی شود، باید ارغوان را پرورش دهیم، آبیاری و مراقبت کنیم تا رویشگاه ها افزایش یابند.» خانی در پایان گفت: «همه تلاش ما این است که روستاییان از منافع اقتصادی ارغوان بهره ببرند. رونق اقتصادی خانواده های روستایی در گرو حفاظت از خاک و آب است که ارغوان هم نقش بسپار زیادی در این حفاظت دارد.»

مانده تا خواب درخت!

اداره منابع طبیعی شهرستان طریقه شاندیز می گوید برخی ارغوان کاران ترکه ها را خارج از فصل برداشت می کنند



بعضی جاها نباید ترکه ای قطع شود. بهره برداری از تر که ارغوان به صورت منطقه ای و با مجوز اداره منابع طبیعی صورت می گیرد. برای نمونه، افراد به اداره منابع طبیعی در خواست بدهد. با اینکه خود روستاییان مهارت چیدن دارند، ما به آن ها آموزش می دهیم که برای نمونه از فلان نقطه ها به دلیل برخی محدودیت ها کمتر برداشت کنند یا

تر که ها می شود. خانی اضافه می کند: «برای

پیش گیری از همین موارد است که طبق قانون، هر کسی می خواهد بهره برداری کند، باید اول به اداره منابع طبیعی در خواست بدهد. با اینکه خود روستاییان مهارت چیدن دارند، ما به آن ها آموزش می دهیم که برای نمونه از فلان نقطه ها به دلیل برخی محدودیت ها کمتر برداشت کنند یا

شهرستان

روزنامه شهرامید وزندگی

اشنبه ۱۴ دی ۱۳۹۱
شماره ۳۳۱

SHAHRAANEWS.IR

۱۳

←

خراسانیان

با چوب بنه

و غناب هم

می شود

سبداقت

اما کیفیتش

فرق می کند.

هیچ چوبی

به پای ارغوان

نمی رسد.

ضخامت

و کیفیت

ارغوان را

هیچ چوبی

ندارد

